

چالش فیش‌های حقوقی و درک مخاطرات مرحله سوم فساد اقتصادی: ارتشاء و زدوبند اداری

علی‌اشرف نظری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران و مدیر بخش سیاست داخلی شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی

۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۴۴۰۰۲۱۷

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

در فرهنگ انسانی و اسلامی این سرزمین دارد و بیانگر مرکزیت یافتن روحیهٔ ایثار و فضیلت-جویی در گذشته‌ای نه چندان دور بوده است. شاید بتوان دوران دفاع مقدس را حد اعلا‌ی این جانبا‌زی و از خودگذشتگی دانست که بسیاری از مدافعان شرافت‌مند سرزمین ما نه در بند حقوق دریافتی بودند و نه بهره‌مندی از مزایای آن.

سحر دیدم درخت ارغوانی
کشیده سر به بام خسته جانی
به گوش ارغوان، آهسته گفتم
بهارت خوش که فکر دیگرانی

تجربه حادث شده بیانگر بروز یک نوع بیماری سیستمی است که می‌توان آن را رویارویی «چرخه فضیلت» و «چرخه رذیلت» (به تعبیر دارون عجم اوغلو) تعبیر کرد. مادامی که این چرخه و گردونهٔ هولناک متوقف نشده باشد، برخی مدیران بهره‌کش تلاش می‌کنند از طرق مختلف به غارت اموال عمومی و مصرف و بلعیدن همه چیز (حتی بهره‌برداری ابزاری از ارزش‌ها) ادامه دهند. طبیعتاً شیوه کار آنها در این مرحله که من آن را مرحلهٔ سوم می‌خوانم، متفاوت خواهد بود. در مرحلهٔ سوم فساد تلاش خواهد شد با شیوه‌های خلاقانه تری (آنچه که آن را تخریب خلاقانه می‌نامند)، دست‌اندازی به اموال عمومی صورت گیرد. شیوه‌هایی نظیر اخذ رشوه‌های بی‌نام و نشان، که بر خلاف فیش‌های حقوقی ردی از راشی (رشوه دهنده) و مرتشی (رشوه گیرنده) باقی نمی‌ماند.

چه باید کرد؟

اینک که طشت رسوایی برخی مدیران افزون‌خواه از بام شفافیت افتاده است، به جای سیاسی‌اندیشی و جناحی-نگری باید به عقل تدبیرگر متوسل شد و راه چاره‌ای یافت. مسئلهٔ فیش‌های حقوقی بیانگر چه معضلی است؟ ریشهٔ اصلی آن را باید در کجا جستجو کرد؟ چگونه می‌توان مانع بروز مشکلاتی از این دست در آینده شد؟ اینکه چگونه می‌توان مانع تسری این بحران به بخش‌های دیگر و یا انتقال بحران

تبیین مسئله:

پدیدهٔ اخیر که پس از اختلاس سه هزار میلیاردی آشکار شد، بیانگر عبور از مرحله نخست فساد به مرحلهٔ دوم است. مرحله‌ای که در آن با به کارگیری نوعی سازوکارهای تطهیرسازی و شبه‌قانونی، در بادی امر چنین تصور می‌شود که سکوت قانون موجب بروز چنین پدیده‌ای شده است. اما واقعیت مسئله این است که وقتی فردی در مقام تصمیم‌گیرنده و مجری قرار گیرد، چنین رخدادی دیگر غیر منتظره نیست. چنان که بسیاری از این مدیران که اینک دچار چالش فیش حقوقی شده‌اند، مرجع تصمیم‌گیری دربارهٔ حقوق و مزایای خود بوده‌اند.

بنابراین، از هر موضعی که به چالش فیش‌های حقوقی بنگریم، مبین ناکارآمدی سیاست‌های موجود در مدیریت منابع و منافع عمومی است. آنچه بیش از همه موجب بروز نگرانی در کشور شده است، مخدوش شدن نقش سیاستگذاران به عنوان مجریان فعالیت‌های عمومی و «تهاجم به ارزش‌ها» در حوزهٔ عدالت اجتماعی است. علی‌الاصول در نهادهای عمومی کشور اتفاقی افتاده است، که تا پیش از این قابل تصور نبوده است؛ زیرا در گفتمان انقلاب اسلامی همواره «شیفتهٔ خدمت بودن» مورد تأکید قرار گرفته است نه «تشنهٔ قدرت و ثروت بودن». نوعی تفکر که ریشه

به بیرون از ساختارهای رسمی و دور از نظارت (در قالب ارتشاء) شد؟

احیای اصل مسئولیت‌پذیری^۱: حکومت باید همیشه تلاش کند تا بتوان به نیازهای همه اعضای جامعه پاسخ مناسب دهد و منافع رقیب^۲ و متعارض آنها را به شیوه‌ای مناسب و مسئولانه با هم متوازن سازد. اصل مسئولیت‌پذیری وجدانی و قانونی (مسئولیت‌پذیری شرعی) باید پیش شرط اساسی برای انتصاب مدیران باشد؛ تا اینکه صرفاً بر سازوکارهای قانونی در نظارت بر مدیران تأکید شود. بی‌تردید تجارب دهه اول انقلاب اسلامی در گسترش این ایده بیانگر نوعی بسترسازی مناسب برای پذیرش ایده «همیشگی بودن نظارت درونی و وجدانی» و توجه به تقدم امر اخلاقی بر امر قانونی بوده است. چنان که برخی از این مدیران ممکن است ادعا کنند که کار آنها مغایر با قوانین موجود نبوده، ولی بی‌تردید مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای اعلانی نظام بوده است. مدیران باید موظف به ارائه گزارش، تبیین اقدامات و پاسخگویی در برابر نتایج تصمیماتی باشد که اتخاذ نموده اند. در این زمینه می‌بایست نوعی سوگند اخلاقی و حرفه‌ای برای مدیران در نظر گرفته شود که همانند نمایندگان مجلس در آغاز فعالیت خود آن را ادا کنند.

حاکمیت قانون^۳ و متابعت از آن: حاکمیت قانون به معنای اعمال منصفانه و برابر قانون برای همه و بدون محدودیت خاص می‌باشد. متابعت از قانون به معنای اطاعت و پایبندی به قانونگذاری و قوانینی است که از طریق مجاری رسمی وضع شده است.

تأکید بر شفافیت^۴ در فرایندهای اداری: شفافیت مبتنی بر گردش آزاد اطلاعات^۵ و توانایی دسترسی به فرایندها، نهادها و اطلاعاتی است که بر زندگی مردم اثر می‌گذارد. مردم باید قادر باشند از فرایند تصمیم‌گیری مطلع شوند و در جریان آن قرار بگیرند. این بدین معنا است که آنها قادر باشند به نحوی

روشن و شفاف دریابند که چرا و چگونه تصمیمی خاص بر پایه اطلاعات، مشاوره و راهنمایی افراد یا شورایی اتخاذ شده است و چه پیامدهای قانونی‌ای دارد.

تأکید بر مؤثر بودن و کارآمدی^۶ به عنوان شاخص ارزیابی عملکرد مدیران: مدیران باید تصمیماتی را اتخاذ کند و فرایندهایی را به اجرا بگذارد که به بهترین نحو از افراد موجود، منابع و زمان برای تضمین بهترین نتایج ممکن برای جامعه استفاده شود و بهترین فرایندهای ممکن برای تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد. شایسته سالاری و توجه به ظرفیت‌های هر یک از مدیران می‌تواند موجب ظهور مدیران نالایقی شود که با توجه به پیش‌بینی سقوط شتابان خود در صدد بر می‌آیند دم را غنیمت شمرده و غنایمی برای بعد از دوران مستعجل مدیریت خود به یغما برند.

نگرش استراتژیک^۷: تدبیر امور و تأمین مصالح عمومی از طریق داشتن چشم‌انداز استراتژیک ممکن می‌شود. سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان باید دارای چشم‌اندازی وسیع و بلندمدت باشند تا بتوانند اصل تقدم منافع جمعی بر منافع فردی را درک کنند.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشر شده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

- 1 - accountability
- 2 - competing interests
- 3 - Rule of law
- 4 - transparency
- 5 - free flow of information

- 6 - effective and efficient
- 7 - Strategic vision